

«آئینه عبرت» سریالی که همه چیز را تغییر داد

کافه
خاطره صبا؛
گفت‌وگو با
محمود دینی بازیگر و
تهیه‌کننده سینما و
تلویزیون

احمد محمد اسماعیلی

گفت‌وگو

در اوایل دهه هفتاد که بتدریج با بروز ظهور بازیگرانی نظیر ابوالفضل پورعرب، نیکی کریمی و... سیستم ستاره سازی شکل گرفت. بازیگری جوان، خوش چهره، با ظاهری آرام و درونی با حضور در مجموعه «آئینه عبرت» و در ادامه «برگ ریزان» توانست کاراکتر نام آشنای علی را خلق کند و یک شبه ره صد ساله را طی کند. جوانی که با تفکرات سنتی پدرش وارد چالش می‌شد. سال‌های بعد محمود دینی با حضور در فیلم‌های آکشن و حادثه‌ای نظیر «گریز از مرگ»، «حامی» و «مجازات» توانست به عنوان یک بازیگر محبوب و پولساز خودش را مطرح کند و به راهش ادامه بدهد. دینی در سال‌های بعد با تاسیس شبکه ماهواره‌ای و تهیه و تولید فیلم به فعالیتش ادامه داد. با او مروری به دوران کاری‌اش داریم.



عکس: الهه شهریار

با محوریت مواد مخدر از دوستان سینمایی دعوت کردیم تا بیایند و ببینند. یکی از این دوستان محسن شاه‌محمدی بود که آن موقع برنامه هشدارهای پلیس را می‌ساخت و با هم دوست شدیم و گفتیم می‌خواهم سریالی مثل سریال «چنگک» بسازم و استقبال کرد و «آئینه عبرت» شکل گرفت و مسئولیت مالی سریال را استاد مبارزه با مواد مخدر بر عهده گرفت و بودجه محدودی در اختیارمان قرار دادند. من پرونده‌های مواد مخدر را در اختیار شاه‌محمدی قرار دادم و ایشان با خواندن آنها ایده نوشتن قصه سریال را داد و نهایت تبدیل به فیلمنامه شد.

چقدر اعتقاد دارید در ساخته‌های شاه‌محمدی ساختار فیلم فارسی حاکم است؟

این را قبول ندارم. البته من شاید چنین تفکراتی داشته باشم اما شاه‌محمدی این کاره است و اغلب کارهایش را خودش می‌نویسد، تدوین می‌کند و دنیای خاص خودش را دارد. بعد از «آئینه

عبرت» چند فیلم متاثر از

سینما برایم جذابیت داشت و از اینجا به بعد کارم در سینما شروع شد.

آیا خاطره‌ای از حضور در فیلم «تیغ و ابریشم» دارید؟

چون آن موقع مسئول روابط عمومی استاد بودم. صحنه انفجار بزرگ پمپ بنزین و مواد منفجره‌ای که نیاز بود برای فیلم تهیه کردم. یکی از دو مسئول جلوه‌های ویژه فیلم، شب قبل از فیلمبرداری که زمان جنگ هم بود با کیمیایی اختلاف پیدا کرد و با شیطنت شایعه کرد که با انجام این انفجار کل تهران می‌لرزد و امنیت مختل می‌شود. خانه بودم و کمیته مرکزی از طریق بیسیم من را احضار کرد و رفتم دیدم کیمیایی توی راهرو است و با نگرانی قدم می‌زند. او پرسید بودند که چه کسی اینقدر مواد منفجره به تو داده و کیمیایی گفته بود حاج آقا محمود دینی! «آیا خنده». من گفتم این مواد منفجره بدون خطر است و صدایی ندارد که باعث ترس مردم بشود و با تعجب گفتم چرا کیمیایی را گرفته‌اید و اینجا آورده‌اید؟ خلاصه چند ساعتی با مسئولین صحبت کردم و سوء تفاهم‌ها بر طرف شد و کیمیایی خانه رفت. روز بعدش هم بدون دردسر صحنه انفجار فیلم انجام شد و تهران نلرزید.

آیا از کیمیایی نخواستید در فیلم «سرب» هم حضور داشته باشید؟

موقعیت شغلی من اجازه نمی‌داد که چند ماه کارم را رها کنم و سر فیلمی بروم. در فیلم «تشکیلات» هم در دوسه سکانس بازی کردم. با شکل‌گیری ستاد مبارزه با مواد مخدر پیشنهاد ساخت یک برنامه تلویزیونی درباره تأثیرات مواد مخدر را دادم....

و این برنامه تبدیل به تولید مجموعه پر

بیننده «آئینه عبرت» شد؟

بله و کم‌کم این طرح باعث شد که سریال «آئینه عبرت» با تهیه‌کنندگی من ساخته شود. در نمایشگاهی

شغل پدرتان چه بود؟

کارگر بود و کمکشان هم می‌کردم.

بعد از انقلاب چه مسیری را دنبال کردید؟

رفتم اداره مبارزه با مواد مخدر که زیر نظر دادستانی کل کشور بود. بعد از شروع جنگ رفتم بسیج و دوره آموزش نظامی دیدم و رفتم جبهه و در عملیات فتح المبین شرکت کردم.

مذهبی بودید؟

جوان‌های اون موقع بیشترشان تفکرات مذهبی داشتند. من هم تفکرات دینی سنتی بچه‌های پایین شهر را داشتم و عضو بسیج شدم. بعد از بازگشت از جبهه رفتم اداره مواد مخدر و در بخش فرهنگی کار کردم. زمان سربازی هم رفتم کمیته مرکزی و ستاد مواد مخدر هم شد زیر مجموعه‌اش و در یادگان نصر آموزش دیدم و تحصیل کردم و فوق دیپلم نظامی گرفتم.

در این سالها به سینما رفتن تان ادامه می‌دادید؟

به علت شغلم به عنوان مدیر کل روابط عمومی، در ستاد همه فیلمها را می‌دیدیم و نظر می‌دادیم و اگر تقاضای امکانات نظامی از سوی تهیه‌کننده فیلمی ارائه می‌شد ما تصمیم‌گیری می‌کردیم.

آیا در آن دوران علاقه نداشتید با گروه‌های فیلمسازی همکاری کنید؟

چرا اتفاقاً در فیلم «تیغ و ابریشم» ساخته کیمیایی به عنوان یادگاری در یک پلان بازی کردم.

خودتان چنین خواسته‌ای را مطرح کردید که در فیلم حضور داشته‌باشید؟

چون هماهنگی بین نیروها در پلان انتهایی فیلم با من بود و برای فیلم خیلی زحمت کشیده بودم کیمیایی خودش پیشنهاد داد.

آیا کار با کیمیایی برایتان جذاب بود؟

از چه زمانی علاقه شما به فیلم دیدن و سینما به وجود آمد؟ فکر می‌کنم علاقه به هنر و سینما در خون کسانی است که به آن می‌پردازند. خیلی‌ها هستند که به کلاس‌های بازیگری می‌روند و در دانشگاه درس هنر می‌خوانند، اما به جایی نمی‌رسند....

یعنی اعتقاد دارید علاقه به هنر و بازیگری به ژن آدم‌ها بر می‌گردد؟

بله، ژنی است و باید در درون باشد. بچه جنوب شهرم و از دوران کودکی به سینما علاقه داشتم.

سینما رفتن را از چه سالی آغاز کردید؟

اولین فیلم زندگی‌ام را با برادر در سینمای میدان خراسان با نام «کوچه مردها» دیدم. بعد از دیدن فیلم تا مدت‌ها ساز زدن ایرج قادری را در ذهن داشتم.

فقط با برادران سینما می‌رفتید؟

بیشتر با برادر، دختر و پسر عموهایم جمعه‌ها بعد از ظهرها سینما می‌رفتیم. سال‌های بعد که پیش خواهرم زندگی می‌کردم با جمع کردن پول تو جیبی‌هایم می‌رفتم سینمای میدان زاله و با خرید یک بلیط تا شب فیلم را چند باره می‌دیدم. شبها هم شوهر خواهرم می‌آمد و من را به خانه می‌برد.

تایستان‌ها کار می‌کردید؟

سه ماه تعطیلی تایستان می‌رفتم لاله زار و در مغازه یکی از بستگان کارهای طلاسازی انجام می‌دادم و ماهی ۵۰۰ تومان دستمزد می‌گرفتم.

اهل جمع کردن دستمزد هایتان بودید؟

نه بابا خیلی ولخرج بودم و پولم را صرف لباس خریدن و سینما رفتن می‌کردم.

آیا رفیق باز بودید؟

نه، رفیق باز نبودم و پولم را صرف خودم و خانواده‌ام می‌کردم.

